

## مقایسه‌ی ایفای تعهد در حقوق ایران و انگلیس

### هاجر وظیفه آزاد

گروه حقوق، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

---

#### چکیده

ایفای تعهد بخش مهمی از مباحث حقوق قراردادی در نظام های مختلف حقوقی را به خود اختصاص داده است. اصل لزوم قراردادهای که در فقه اسلامی تحت قاعده اصاله اللزوم مورد بحث قرار می‌گیرد و در بیشتر سیستمهای حقوقی دنیا نیز از جمله سیستم حقوقی انگلیس نیز به رسمیت شناخته شده است، می‌طلبد که طرفین قرارداد به قرارداد خود و تعهدات مندرج در آن پایبند باشند و چنانچه طرفین به تعهدات خویش عمل نکنند، یا توان اجرای آنها را نداشته باشند و یا با نقض تعهد از مسئولیت شانه خالی کنند، قانون ضمانت اجراهایی در نظر بگیرد. در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس در مورد ایفای تعهد و نقض قرارداد شباهت ها و تفاوت هایی دیده می‌شود از جمله اینکه در نظام حقوقی انگلستان، طرفین شرایط ایفا و یا عدول و جبران خسارت را در توافق خود مشخص می‌کنند. قانون مدنی ایران این شرایط را پیش بینی کرده است. حقوق ایران به تبع تاثیر از قواعد فقهی، در ایفای تعهد کامل تر از نظام حقوقی انگلیس بوده که در انگلیس صرفاً ایفای دین و تعهد در چارچوب قرارداد و رضایت طرفین است. با این حال دو نظام حقوقی فوق در موضع ایفای تعهدات قراردادی مشابه هم عمل می‌کنند.

---

واژگان کلیدی: تعهد، ایفاء، عدم ایفای تعهد، دین، ضمانت اجرا

---

**مقدمه**

ایفای تعهد اصولاً یک عمل حقوقی محسوب نمی‌گردد تا تشکیل دهنده قرارداد باشد. عمل حقوقی یکطرفه‌ای که در آن توقع الحاق انشای دیگری به آن وجود نداشته باشد ایقاع نام دارد. متعهد و متعهد له بر اساس قرارداد و تعهد ناشی از آن ملتزم به انجام اموری شده اند که انجام آن به هیچ وجه به اراده ایشان بستگی ندارد. تراضی آنها تنها هنگامی که قرارداد اولیه را منعقد می‌ساخته اند بروز کرده و التزام های را مطابق مفاد قرارداد به متعهد تحمیل کرده است. انجام این تعهدات به اختیار متعهد صورت نمی‌گیرد بلکه این قانون است که وی را ملزم به انجام می‌کند. در این قسمت متعهد اختیاری در انتخاب ندارد باید مفاد آنچه را که تعهد کرده انجام دهد و وقتی اختیار وجود نداشته باشد مسلماً عمل نمی‌تواند یک عمل حقوقی محسوب گردد. این گروه در مقابل گروه نخست به منظور نقض استدلال قراردادی بودن تعهد می‌نویسند: « وصف اصلی قرارداد آزادی در انتخاب و تراضی و نفوذ انشاء است در حالیکه در ایفای تعهد مدیون هیچ آزادی و اراده‌ای در انتخاب مورد تعهد ندارد (قاسم زاده، ۱۳۸۳: ۱۷۷).

در حقوق ایران، ایفای تعهد الزامی است و مستفاد از ماده ۲۸۹ ق.م. قانونگذار در تعیین ماهیت حقوقی ابراء، یکی از موارد ایفای تعهد، به مشهور پیوسته و آن را از ایقاعات به حساب آورده است؛ نه عقود و قراردادهای. در حقوق انگلیس، برعکس ایران، قاعده کلی این است که طرفین قرار داد، همان گونه که می‌توانند از طریق توافق برای خود تعهداتی به وجود آورند، خواهند توانست از طریق توافق، یکدیگر را از تعهداتشان مبرا سازند. به طور مثال: هر گاه (الف) به عنوان خریدار قادر نباشد، بابت کالاهایی که به او تسلیم شده است، ثمن معامله را به فروشنده (ب) بپردازد؛ ممکن است (ب) به موجب توافقی که با (الف) منعقد می‌کند، ذمه او را نسبت به تعهدی که دارد ابراء نماید. در حقوق انگلیس، ایفاء مشروط (ابراء مشروط)، به عنوان یکی از اقسام ایفاء مورد پذیرش قرار گرفته است؛ که به موجب آن مثلاً انحلال ابراء، معلق به شرط فاسخ می‌شود؛ مانند، این که طلبکار به هنگام ابراء، شرط می‌کند که اگر در آینده، سازش میان او و بدهکار به عمل نیامد، ابراء به وقوع پیوسته کان لم یکن تلقی شود. هدف اصلی از این تحقیق بررسی مفهوم و ماهیت عقد، تعهد و اعمال حقوقی و شفاف سازی معنای دقیق واژه ایفای تعهد و تفاوت آن با حقوق انگلیس و اینکه آیا تاثیر پذیری در این باب صورت گرفته است. پرسش اصلی تحقیق این است که: با بررسی تطبیقی حقوق ایران و انگلیس، ضمانت اجرای ایفای تعهد در این دو نظام حقوقی به چه شکلی است؟ و پرسش فرعی تحقیق که در پی پاسخ آنیم: در مورد ایفای تعهد آیا حقوق ایران از انگلیس تاثیر پذیرفته است؟

**ادبیات تحقیق****مفهوم لغوی تعهد**

در فقه و حقوق، واژه تعهد در دو معنی به کار می‌رود. یکی در معنی عام خود که معادل الزام، التزام، شرط، اشتراط، عهد، عهده، ضمان، تکلیف و شامل تمام تکالیف و حقوق دینی است؛ خواه از نوع الزامات قهری و قانونی ناشی از اسباب قهری، خواه از التزامات ارادی و قراردادی به شمار رود و منشأ قراردادی داشته باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۹ و ۱۷ و جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۲۷ و صفایی، ۱۳۸۴: ۵ و ۶). عهد در اصطلاح حقوقی رابطه حقوقی است که به موجب آن شخص در برابر دیگری مکلف به انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن کاری می‌شود خواه سبب ایجاد آن رابطه عقد باشد یا الزام قهری. (جعفری لنگرودی، پیشین: ۱۶۶). تعهد در مفهوم عام خود تمامی حقوق دینی را شامل می‌شود و در معنای خاص که در برابر الزام خارج از قرارداد قرار می‌گیرد، ناظر به دیون ناشی از عقد است. در قانون مدنی آلمان از «حق دینی» به جای کلمه «تعهد» استفاده شده و در حقوق انگلیس مفهوم تعهد با obligation و حقوق دینی با عبارت Droit de Creance در فرانسه نمایانده می‌شود.

**تعهد در قانون مدنی**

کلمه تعهد در مواد مختلفی از قانون مدنی آمده است. تعهد معنای مصدری و اسم مفعولی دارد. در ماده ۱۸۳ و ۲۲۱ قانون مدنی به معنای مصدری است؛ که عبارت است از: عهده گرفتن برای انجام یا ترک عملی در برابر دیگری. در ماده ۲۲۲ و ۲۲۶ قانون مدنی به معنای اسم مفعولی است که به معنای؛ تکلیف و وظیفه‌ای که قانوناً بر عهده شخص متعهد ثابت است، آمده است. تعهدات اختصاص به اشخاص حقیقی ندارد، ممکن است در تعهد یک یا هر دو طرف شخصیت حقوقی باشند. به علاوه ممکن است چند نفر متعهد یا متعهد له باشند. خواه مسؤولیت تضامنی باشد و یا تعهد یک شخص در برابر چند نفر باشد.

### التزام و ایفای تعهد

در لغت نامه های فارسی ایفا را به معنای وعده، پسر آوردن، حق کسی را تمام کردن آمده است و در انگلیس نیز از واژه Performance به معنای ایفا ذکر شده است. (Hunt, 2000:177)

در حقوق کشورهای اسلامی گاه تعهد و التزام به جای یکدیگر استفاده شده است. برای نخستین بار در قانون مدنی سابق کشور مصر از تعهد یاد شده، اما در قوانین جدید کشورهای عربی با عدول از به‌کارگیری این اصطلاح، واژه التزام به کار رفته است. این در حالی است که برخی برای افاده معنای دقیق، به کارگیری دو کلمه التزام و ضمان را با هم، جایگزین مناسبی برای تعهد می‌دانند. (امامی، ۱۳۴۰: ۳۹۱) در این راستا التزام آور بودن تعهد، در دیون ناشی از مسئولیت‌های مدنی و عقود لازم، امری بدیهی و آشکار است.

### روش تحقیق

انجام این تحقیق مبتنی بر روش تحقیق تحلیلی و توصیفی (کیفی) بوده و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

### ایفای تعهدات در نظام حقوقی ایران

#### عناصر اصلی تعهد در قانون مدنی

در نظام حقوقی ما از عدم ایفای تعهد، تعریفی ارائه نشده است. در سیستم حقوقی انگلیس نیز عدم ایفای تعهد، تعریف صریحی ندارد اما در اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از عدم ایفای تعهد، چنین تعریفی در ماده (۱) (۱) آمده است: «عدم ایفاء عبارت است از قصور یک طرف در اجرای هر یک از تعهدات خویش به موجب قرار داد از جمله ایفای ناقص یا توأم با تأخیر». با توجه به این تعریف، اولاً عدم ایفای تعهد، ایفای تعهد ناقص و تصور کلی در اجرای تعهد را شامل می‌شود. ثانیاً عدم ایفای تعهد موجه و عدم ایفای غیرموجه را نیز شامل می‌شود. می‌توان گفت هر تعهدی اجمالاً از چهار مؤلفه و عنصر تشکیل شده است: متعهد، متعهدله، موضوع اصلی تعهد و شروط و لواحق فرعی تعهد، از سویی واقعیت حقوقی جاری در میان مردمان اهل عرف، اقتضای پاره‌ایی تحولات را در ۴ عنصر تعهد ضروری کرده است. به عبارتی اگر سه رکن اولیه هر تعهد (متعهد، متعهدله، موضوع اصلی تعهد) یا به تعبیر قانون مدنی ایران دین و مدیون و دائن تغییر یابد گویی که تعهدی جدید سامان یافته است لذا تمام شرائط صحت عقد را لزوماً باید دارا باشد. به عبارتی توافق برای تبدیل و تغییر طرفین عقد، خود توافقی تمام عیار است که ماهیت عقد سابق را نیز بر هم می‌زند، اما با همه این توصیفات تبدیل تعهد کاملاً منفک از تعهد قبلی نیست؛ زیرا دلیل اصلی و علت تعهد جدید زوال تعهد قبلی است و نتیجه آن است که اگر تعهد قبلی به دلیلی باطل باشد (به عبارت دقیق‌تر قرارداد یا عقدی که منشأ بوده است باطل بوده) چون در واقع چیزی به وجود نیامده تا ارکان آن تغییر کند، پس تغییر رکن (تبدیل تعهد) نیز باطل است. (بیگدلی، ۱۳۸۶: ۴۸).

### الزام به ایفای تعهد:

ارتباطات دو سویه در مبادلات روزانه مبتنی بر تعهد استوار است. اگر بیعی انجام می‌پذیرد، بایع ملزم است که مورد تعهد معامله را در اختیار مشتری قرار دهد و مشتری نیز ملزم است تا ثمن مورد معامله را به بایع پرداخت نماید. اگر در حین مورد عقد بیع، مبادله مورد بیع و ثمن آن تعهداتی از سوی طرفین انجام شده باشد، اشخاص مورد عقد معامله می‌بایست خود را بر اساس موضوع و مورد تعهد مندرج در عقد ملزم نمایند در غیر این صورت ضامن خسارت خواهند بود. (صالحی، ۱۳۹۲: ۳۹). تعهد ممکن است سلبی باشد یعنی امتناع و نهی از امری در قرارداد مورد تعهد قرار گیرد. لذا همچنانکه در تعهد ایجابی شخص متعهد می‌گردد که فعلی را انجام دهد، در تعهد سلبی امتناع از انجام موضوعی مورد نظر است. وقتی در عقد بیع بایع ملزم می‌گردد که مبیع را در موعد و یا مکان معین در اختیار مشتری قرار دهد و یا خریدار نیز بهای مبیع را در زمان و مکان مورد توافق تعهد می‌کند، به آثار ایجابی آن متعهد شده است. در عقود دیگر نیز این امر ثابت است. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۸۸)

### ایفای تعهد مالی

دین در لغت به معنای وام یا بدهی است که در سررسید معینی پرداخت شود. جمع این کلمه «دیون» می‌باشد در لغت به معنای «قرض دادن و قرض گرفتن» است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۵۱) در اصطلاح فقه، مالی کلی است که بر ذمه شخصی برای دیگری به سببی ثابت شده باشد. ذین به هر دو معامله سلم<sup>۱</sup> و نسبه<sup>۲</sup> شامل می‌شود. در مورد دیون پولی، به جهت ماهیت خاص پول، مدیون باید در مقام وفای به عهد، پولی را به داین پرداخت نماید که از نظر مالیت و قدرت خرید مساوی با مقدار پولی باشد که در گذشته به ذمه گرفته است. برای برابری پول موضوع تعهد با پول موضوع تادیه، در تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م.ضابطه ای مشخص شده که این ضابطه علاوه بر مهریه در سایر دیون پولی نیز قابل اعمال است. در میان فقهای متقدم و متأخر، نظری در این مورد دیده نمی‌شود و در بین فقهای معاصر نیز اختلاف نظر است ولی بیشتر معتقدند که در صورت وجود تورم شدید و عدم پرداخت بدهی از سوی مدیون در موعد مقرر، پرداخت پولی با همان ارزش اسمی موجب وفای به عهد نمی‌شود و باید بر اساس وضع حاضر محاسبه و پرداخت گردد. به علاوه به جهت این که موضوع مقررات تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. و ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م متفاوت از هم می‌باشد، تصور نسخ تبصره ماده ۱۰۸۲ ق.م. با تصویب ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م منتفی بوده و هر کدام در مورد خاص خود قابلیت اعمال دارد و در نتیجه شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م نیز برای اعمال شاخص بهای سالانه در مورد مهریه قابل اعمال نمی‌باشد. (قاسم زاده، پیشین: ۱۸۲)

### مفهوم ایفای تعهدات قراردادی

ماهیت «اجرای تعهد قرار دادی» در قوانین و نظامهای حقوقی موجود جهان، به خوبی تبیین نشده است. مثلاً، در قانون تجارت ایالات متحده آمریکا، قانون بیع کالای کشور انگلستان (مصوب ۱۹۷۹)، قوانین مدنی کشورهای سوئیس، فرانسه، مصر، کویت، عراق، لیبی و لبنان، در این زمینه مطلبی وجود ندارد. فقهای معظم امامیه و اهل سنت و نیز حقوق دانان آلمانی، فرانسوی، سوئسی، انگلیسی، آمریکایی، به تحلیل ماهیت حقوقی قرارداد اشاره کرده اند، لیکن نظرات آنها در این زمینه متفاوت است. در خصوص ماهیت حقوقی ایفای تعهدات با وجود اینکه کمتر به طرح آن پرداخته شده است اختلافات زیادی به چشم می‌خورد و علت این تفاوت نظری را در پاسخ به سوالات زیر باید جستجو کرد. آیا اجرای تعهد قراردادی یک عمل حقوقی است یا یک واقعه حقوقی و یا اینکه دارای ماهیتی متفاوت بسته به نوع تادیه دارد عمل حقوقی و یا عمل مادی صرف است. همچنین، ماهیت ایفای تعهدات قراردادی عمل حقوقی است یا واقعه حقوقی؟ اگر ماهیت آن را عمل حقوقی بدانیم. طبیعت اجرای قرارداد عقد است یا ایقاع؟ عقد (که همان عهد است) بر همه پیمان‌های دینی که خداوند از بندگانش گرفته منطبق است. (شهیدی، پیشین: ۲۸۸) اعم

<sup>۱</sup> - معامله سلف (پیش فروش)، آن است که در آن جنس نسبه، ولی بها نقد باشد.

<sup>۲</sup> - در معامله نسبه، جنس نقد است ولی بها در آینده پرداخت می‌شود.

از این که ارکان و اجزای دین باشد مثل توحید و سایر معارف اصلی و اعمال عبادی یا احکامی که «تأسیسی» یا «امضایی»- از جمله عقود و معاملات- تشریح شده باشد. با توجه به نظرهای بزرگان و نظریه پردازان معلوم است که لفظ عقد فقط بر عقود معهود مثل بیع و اجاره و... که از جمله عقود معین می‌باشند، اطلاق نمی‌شود؛ بلکه به عقود نامعین نیز غیر از عقود معهود صدق می‌کند. بلکه اصلاً در صدق عقد نیازی به صدور لفظ از جانب عاقد نمی‌باشد. (مشکینی، ۱۳۶۶: ۲۹)

### تعریف اجرای قراردادی

اجرای تعهد قراردادی با این ترکیب اضافی در حقوق کشور ما تعریف نشده است. حقوقدانان پس از تعریف اجزای تشکیل دهنده این مفهوم، خود را بی‌نیاز از تعریف مستقل آن دیده‌اند. برخلاف حقوق انگلیس، در حقوق کشورهای ایران، فرانسه و فقه اسلامی (امامیه و اهل سنت)، اجرای تعهد قراردادی تعریف نشده است. حقوقدانان و فقهاء به دلیل وضوح عرفی مفهوم اجرای تعهد قراردادی، خود را بی‌نیاز از تعریف آن دیده‌اند.

اجرای تعهد قراردادی در حقوق کشورهای کامن‌لا و بویژه انگلیس، تحت‌عنوان "Performance" مطرح شده و عبارت از انجام تعهد ناشی از وعده قرارداد یا سایر تعهدات، توسط متعهدی است که هر گاه از اجرای تعهد خودداری نماید، آثار نقض قرارداد متوجه او خواهد بود. این تعریف کم و بیش در فرهنگ اختصاصی حقوق امریکا آورده شده است. (Hunt, 2000: 177)

به هر حال، در حقوق ایران باید اجرای تعهد قراردادی را چنین تبیین نمود: اجرای تعهد قراردادی، انجام تعهدات ناشی از قرارداد است. و بدین ترتیب «انجام» نقطه مقابل نقض قرارداد، عقیم شدن اجرای قرارداد از طریق عوامل غیر قابل پیش بینی و فسخ قرارداد است. و «تعهد ناشی از قرارداد»، نقطه مقابل تعهد ناشی از جرم و شبه جرم و مسؤولیت مدنی و تعهدات ناشی از قانون است. تعهد قراردادی، شامل تعهد ناشی از ایقاع، ایجاب یک طرفه و تعهدات غیر قابل اجرا نیست؛ ولی اعم از تعهدات ناشی از عقود معین (لازم، جایز) و قرارداد می‌باشد و همچنین اعم از تعهدات مستقل و ضمن العقد، ساده و تضمین دار، تخییری و بدل دار است. همچنین انجام تعهد قراردادی، اعم از فعل و ترک فعل مورد تعهد می‌باشد و منحصر به فعل مثبت نیست. اجراء نیز، اعم از اجرای منطبق با تعهد قراردادی و شرایط مندرج در آن است و شامل اجرای غیر منطبق با تعهد قراردادی نیز می‌گردد؛ همانگونه که اجرای عهد، اعم از اجرای معتبر تعهد قراردادی است و شامل ایفای ناروا و اجرای اشتباهی تعهد قراردادی نیز می‌گردد، زیرا بنابر نظر محققان دانشمندان علم اصول، الفاظ برای معانی اعم از صحیح وضع شده‌اند. (احمدی، ۱۳۷۳)

### ایفای تعهد در نظام حقوقی انگلیس

#### مفهوم تعهد در نظام حقوقی ایران و انگلیس

مفهوم تعهد در حقوق ایران به معنای لغوی تازه کردن پیمان، شرط، عهد، پیمان و قرارداد و معاهده و نگاه داشتن چیزی است و تعهد کردن به معنای به گردن گرفتن چیزی، خود را ملزم به عملی یا پرداخت کردن چیزی، تضمین عهد و میثاق است (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۱). تعهد در فرهنگ لغت انگلیس به معنای تکلیف قانونی<sup>۳</sup> و الزام به موجب سند است. تعهد در اصطلاح حقوقی، رابطه ای حقوقی است که به موجب آن یک یا چند شخص معین به موجب عقد یا شبه‌عقد یا جرم یا شبه‌جرم و یا قانون، ملزم به دادن چیزی یا فعل یا ترک عملی به نفع شخص یا اشخاص معینی هستند. ماهیت حقوقی تعهد به منشاء آن وابسته است که آیا ضمان قهری باشد که ناشی از قانون یا عرف است؟ در این صورت، ماهیت آن تعهد، غیرقراردادی است یا اینکه منشاء آن عقد است که در این صورت، ماهیت آن تعهد، قراردادی خواهد بود. با مطالعه در سیستم حقوقی انگلیس هم، همین تقسیم‌بندی ماهیت حقوقی تعهد وجود دارد؛ زیرا چنانچه تعهد، ارادی باشد، مباحث مربوط به آن در ضمن حقوق قراردادها مورد بحث قرار می‌گیرد. درحالیکه تعهدات غیرقراردادی در ضمن مباحث مربوط به مسؤولیت مدنی مورد بحث قرار می‌گیرد. (احمدوند، ۱۳۸۳: ۷)

<sup>3</sup> Legal Duty

### اصل نسبی بودن قرارداد

اصل شخصی بودن قراردادها<sup>۴</sup> یکی از اصول حاکم بر عقود است که در حقوق اروپا، هم در نظام حقوقی کامن لاء<sup>۵</sup> هم در نظام مدون<sup>۶</sup> پذیرفته شده است. اصل نسبی بودن قراردادها و تعهدات از اصول مهم حقوق انگلیس در بحث ایفای تعهدات بشمار می‌منظور از این اصل آن است که قراردادی که میان اشخاص منعقد می‌شود فقط طرفین قرارداد از آن عقد منتفع می‌گردند و تنها آنان خواهند توانست درباره آن عقد به عنوان ذی نفع در دادگاه طرح دعوی نمایند، و نیز هیچ کس خارج از عقد، مسئولیت و تعهدی نسبت به عقد نخواهد داشت به عبارت دیگر کسانی که خارج از عقد می‌باشند و طرفین عقد نیستند مستقیماً نفع و یا زبانی از عقد نخواهند داشت. این اصل مبتنی است بر اصل استقلال و آزادی فردی در ایجاد روابط حقوقی و به عبارت دیگر اصل حاکمیت اراده که به موجب آن هیچ کس نمی‌تواند اراده خود را بر دیگری تحمیل نماید و بدون اینکه دخالتی داشته باشد.

### اصل نسبی بودن قراردادها و حقوق اشخاص ثالث

به دلیل انتقادهای وارده به کلیت اصل نسبی بودن و عدم تمایل دادگاهها به تغییر رویه قضایی در خصوص برقراری حق اجرای قرارداد توسط ذی نفع، دخالت قانونگذار در موضوع ضروری تلقی شد. در سال ۱۹۹۹، قانون «حقوق اشخاص ثالث در قراردادها» (صفایی، ۱۳۸۲: ۹۳) به تصویب رسید و نسبت به قراردادهایی که از ۱۱ ماه می ۲۰۰۰ به بعد منعقد شده قابلیت اجرایی پیدا کرد. این قانون در صدد نیست که قاعده اول اصل نسبی بودن، یعنی ایجاد تعهد برای ثالث را تغییر دهد، بلکه هدف این قانون تغییر قاعده دوم اصل نسبی بودن یعنی برقراری حق اقامه دعوا برای ثالث ذی نفع می‌باشد. تصویب این قانون تغییری بنیادی در اصل نسبی بودن آثار قراردادها در حقوق انگلستان تلقی می‌شود که برای اولین بار به طور عام به ثالث ذینفع حق می‌دهد که علیه متعهد طرح دعوا کند، حتی در صورتی که ثالث رضایت خود را به نحو مقتضی به متعهد اطلاع دهد و یا مشخص شود که ثالث به شرط مزبور اعتماد و استناد کرده است، در این صورت طرفین قرارداد حق نخواهند داشت که قرارداد را اقاله کنند و یا در آن تغییراتی به عمل آورند که به حقوق مکتسبه شخص ثالث خدشه وارد کند. این قانون نافی موارد استثنایی نخواهد بود که قبل از تصویب این قانون توسط رویه قضایی و یا قوانین موضوعه در رابطه با حق ثالث مقرر شده است. این قانون همچنین رویه قضایی را برای ایجاد حقوق بیشتر برای ثالث محدود نمی‌کند؛ بنابراین در آینده رویه قضایی می‌تواند حقوقی بیش از آنچه در این قانون برقرار شده است برای ثالث مقرر نماید.

ثالث به تعهدی که در قراردادی برای او ایجاد شده نمی‌تواند به عنوان دفاع در یک دادرسی نیز استناد کند. البته این بحث از نتایج مبحث قبل است زیرا وقتی ثالث نمی‌تواند برای اجرای حقی که به نفع او ایجاد شده اقامه دعوی کند به طریق اولی از آن به عنوان دفاع نیز نمی‌تواند بهره ببرد. در ذیل این مطلب، بحثی مطرح شده است که تبیین آن نیازمند ارائه یک مثال می‌باشد: الف و ب با یکدیگر قراردادی منعقد می‌کنند (مانند قرارداد حمل کالاهای الف توسط ب) و مسئولیت مدنی احتمالی شخص ثالث (راننده مستخدم شخص ب) را در خصوص کالاهای الف به مقدار مشخصی محدود می‌نمایند. چنانچه در اثر واقعه ای شخص ثالث بیش از میزان محدود شده خسارت وارد کند، و شخص الف کل مبلغ خسارت وارده را مطالبه نماید، آیا شخص ثالث به عنوان دفاع می‌تواند به قرارداد محدود کننده مسئولیت بین الف و ب استناد کند؟

در این خصوص هر چند در پرونده ای رای داده شده است که ثالث می‌تواند به وجود آن قرارداد استناد کند، اما این رای بیش از آنکه با اصول حقوقی کامن لاء سازگار باشد با عدالت همخوانی دارد. و از همین روست که در پرونده ای دیگر چنین حقی به ثالث داده نشد و او را نسبت به کل میزان خسارت و اراده مسئول دانسته‌اند. البته در این خصوص، برخی حقوقدانان پیشروی انگلیسی

<sup>4</sup> - Privity of contract

<sup>5</sup> - Common law

<sup>6</sup> - Civil law

جهت حل این مسئله و اعطای حق دفاع به ثالث ابراز داشته اند که ثالث در واقع امین شخصی الف تصور می شود و مودع به هر عقدی که صراحتاً یا ضمناً در خصوص کالاها با امین منعقد کرده باشد ملزم می شود. براساس این تفکر این گونه فرض می شود که با توجه به قرارداد بین الف و ب، قراردادی فرضی بین الف و ثالث وجود دارد. و بر همین اساس ثالث می تواند به محدودیت‌های مذکور در آن استناد کند. این نظریه هر چند مورد توجه حقوقدانان انگلیس قرار گرفته است اما هنوز در خصوص آن هیچ رای‌ی صادر نشده تا جایگاه حقوقی و قانونی پیدا کند. هر چند که این دیدگاه در پرونده‌هایی که توسط هیأت مشاورین سلطنتی حکم داده شده بود کارایی خود را از دست داد. زیرا طبق نظریات این هیأت بین الف و ثالث واقعاً باید قراردادی وجود داشته باشد نه اینکه وجود آن فرض می‌شود و اتفاق چنین امری بسیار بعید است و به فرض وقوع خارجی، دیگر از بحث ما (تعهد به نفع ثالث) خارج خواهد بود زیرا او دیگر ثالث محسوب نمی‌گردد. (Duxbury, 2008: 189). به لحاظ تطبیقی، مبحث حاضر در حقوق ایران هیچ جای بحثی ندارد، زیرا - همانطور که گفته شد- امکان استفاده ثالث از حقوق ایجادی به عنوان دفاع از لوازم مبحث اجرای تعهد از سوی ثالث است و از آنجا که بر اساس حقوق ایران- همانطور که گذشت- ذینفع ثالث اساساً بطور مستقیم می‌تواند موضوع حق را مطالبه نماید پس به طریق اولی نیز می‌تواند به وجود آن حق به عنوان دفاع استناد کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۶۷)

در حقوق انگلیس، متعهد له (و نه ثالث) به سه روش می‌تواند متعهد را مکلف به اجرای تعهد به نفع ثالث کند این سه روش عبارتند از: مطالبه الزام به اجرای عین تعهد، مطالبه خسارت ناشی از نقض تعهد، مطالبه قرار فسخ برای متوقف کردن دعوی متعهد علیه ثالث.

در حقوق ایران با اینکه تعهد به نفع ثالث به هر سه شکل شرط صحیح، یعنی شرط صفت، نتیجه و فعل ممکن است اما بیشترین ظهور و بروز آن بصورت شرط فعل است و شرط فعل «آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود.» (ماده ۲۳۴ ق.م. مواد ۲۳۷ تا ۲۳۹ ق.م. مطلقاً (چه تعهد به نفع طرف عقد باشد و چه اینکه به نفع ثالث باشد) ضمانت اجرا برای تحقق آن در نظر گرفته است: الف- مطالبه اجبار و اجرای تعهد از دادگاه. ب- در صورتیکه اجبار به اجرای تعهد توسط متعهد غیر مقدور باشد ولی انجام آن توسط شخص دیگری ممکن باشد به خرج متعهد، تعهد انجام خواهد شد. ج- در صورتیکه اجبار متعهد ممکن نباشد و دیگری هم نتواند آن را انجام دهد برای متعهدله حق فسخ بوجود می‌آید. در آراء دکترین حقوقی ایران نیز دیده می‌شود که هر چند تعهد به نفع ثالث بوده و نه متعهدله ولی متعهدله می‌تواند از متعهد مطالبه کند و او را ملزم به آن سازد. یکی از اساتید همین مطلب را به نحو دیگری بیان داشته است: «هر یک از طرفین قرارداد تعهد به سود ثالث، ملزم به اجرای قرارداد و تعهد ناشی از قرارداد در برابر طرف دیگر است خواه تعهد مذکور یکی از دو مورد عقد باشد یا مورد شرط مندرج ضمن عقد باشد. در صورت خودداری هر یک از دو طرف از انجام تعهد قراردادی خویش، ممتنع، با درخواست طرف دیگر ملزم به اجرای قرارداد خواهد شد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۱۵)

در حقوق انگلیس همه قراردادهای از قابلیت مطالبه اجرای عین تعهد برخوردار نیستند. بطور مثال قراردادهایی که موضوع آن انجام خدمات شخصی است از این قابلیت برخوردار نمی‌باشند. ولی چنانچه تعهدی که به نفع ثالث بوجود آمده است این قابلیت را دارا باشد و چنانچه شخص متعهدله بخواهد، می‌تواند متعهد را به نفع ثالث ملزم به اجرای عین تعهد نماید. در پرونده ای که مبنای این قاعده می‌باشد ثالث مدیر ترکه متعهدله گردید و به همین سبب به قائم مقامی از شخصیت حقوقی او الزام به اجرای عین تعهد را خواست و حکم به نفعش صادر گردید. البته در خصوص همین پرونده هم تاکید شده است که ثالث اصالتاً حق مطالبه اجرای عین تعهد را نداشته است. (Hunt, Op.tic: 136)

در حقوق ایران الزام به انجام تعهد با یک ضابطه ظاهراً ترتیبی (هر چند در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد) پذیرفته شده است. این ضابطه ترتیبی در واقع همان چیزی است که در حقوق انگلیس از آن به «دارا بودن قابلیت اجرای عین تعهد» یاد شده است. پذیرش این عمل که در حقوق ایران از آن به «اقاله» تعبیر گردیده است در بحث تعهد به نفع ثالث اختلاف نظرهایی را در دکترین اساتید حقوق بوجود آورده است: برخی اساتید اقاله را در قراردادی که در آن تعهدی به نفع ثالث شده است پذیرفته اند: «

قرارداد مورد بحث بوسیله انشاء کنندگان آن می‌تواند اقاله شود. زیرا مطابق قاعده کلی اصولاً هر قرارداد بوسیله طرف‌های آن قابل فسخ است این که در قرارداد حقی برای ثالث قرارداده شده است مانعی برای انحلال آن نخواهد بود» اما بعضی اساتید امکان اقاله را در خصوص این عقد نپذیرفته‌اند: « مبانی تعهد قرارداد میان دو طرف است. حق ثالث از این منبع سرچشمه می‌گیرد و نیرویی الزام آور خود را از عقد می‌گیرد و طبیعی است که با انحلال آن از بین می‌رود. ولی اشکال در این است که اقاله حق منتفع را از بین می‌برد و امکان ایجاد حق به سود ثالث با توانایی اسقاط آن ملازمه ندارد. قانون اجازه داده است که دو طرف به سود ثالث ایجاد حق کنند ولی به آنان اختیار نداده است که حق ایجاد شده را از بین ببرند. در حقوق ایران نیز هیچ کس - نه متعهد له و نه هیچ کس دیگری - نمی‌تواند متعهد را از انجام وظیفه و تعهدش منع کند.

### تراست در حقوق ایفای قراردادهای انگلیس

تراست با چه نهادی در حقوق ایران هماهنگ است؟ ودیعه، وقف و ...؟ اینها پرسش‌هایی است که نه تنها در نظام حقوقی ما بلکه در بسیاری از نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی مانند فرانسه نیز مطرح است حقیقت آن است که تراست یک نهاد مختص و ویژه کامن لاس و بطور دقیق و کامل شاید به هیچ نهاد حقوقی در کشورهای حقوقی نوشته مطابقت نداشته باشد، اما تراست هر چه باشد راه حل تراست فرضی در این بحث، در نظام حقوقی ما کارایی ندارد زیرا در نظام حقوقی ایران مانند بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر، ثالث امکان مطالبه از متعهد را داراست ولی از آنجا که در کامن لای انگلیس چنین چیزی وجود ندارد، به ای شی کان متمسک شده‌اند تا شاید بتوانند آن قاعده را به نحو دیگری تحلیل و تفسیر کنند.

ضعف مبنای نظریه تعهد به نفع ثالث کامن لا تا بدان پایه است که در برخی پرونده‌ها محاکم خلاف آن عمل کرده و به عبارتی بر آن استثناء وارد کرده‌اند. تعداد این استثناءات در قوانین موضوعه انگلیس بسیار زیاد بوده و همچنان در حال ازدیاد است. ( Hunt, Op. tic, 185)

قاعده عدم امکان تعهد به ضرر ثالث در حقوق ایران مانند حقوق انگلیس پذیرفته شده است. مستند قانونی این مطالب هم در حقوق ایران همان ماده ۲۳۱ ق.م است که قبلاً ذکر شد، « بر اساس احترام به آزادی افراد انسان در داخل اجتماع و مطابق قاعده، هیچ تعهدی نباید به هیچ شخصی که آن را نپذیرفته و به آن ملتزم نشده است تحمیل گردد.»

خلاصه آنکه، برای رعایت اصل نسبی بودن آثار قراردادهای و عدم امکان اقامه دعوا توسط ذینفع ثالث توجیهاتی به این شرح بیان شده است که بیان می‌دارد یکی از اصول مسلم کامن لو این است که کسی می‌تواند ایفای قرارداد را تقاضا نماید که بتواند ثابت کند که به ازای منافع به دست آورده، «عوضی» را پرداخت کرده است. در قراردادهایی که منافی برای ثالث مقرر می‌شود، ثالث ذینفع عوضی پرداخت نکرده و در عین حال می‌خواهد ایفای قرارداد را مطالبه کند که این با شرط انتقال عوض از متقاضی ایفا منافات دارد و ایجاد حق اقامه دعوا برای ثالث ذینفع به نتیجه غیر عادلانه منجر می‌شود، زیرا در حالی که نمی‌تواند علیه ثالث اقامه دعوا کرد، ثالث می‌تواند به استناد قرارداد علیه متعهد اقامه دعوا نماید و دیگر این که در صورتی که ثالث حق پیدا کند که ایفای قرارداد را تقاضا کند، در این صورت حق طرفین قرارداد مبنی بر تعدیل، تغییر یا اقاله قرارداد محدود می‌شود که این قابل قبول نمی‌باشد. در مقابل این توجیهات، انتقادات زیادی به کلیت اصل نسبی بودن آثار قراردادها وارد شده است. این انتقادات عمدتاً حول این موضوع است که وقتی طرفین حقی را برای ثالث برقرار می‌کنند، چرا ثالث نباید بتواند به استناد قرارداد علیه متعهد اقامه دعوا نماید. این انتقادات به اختصار عبارتند از: رعایت اصل نسبی بودن بر خلاف قصد طرفین است که تمایل دارند چنین حقی را به ثالث اعطا کنند. در صورتی که قدرت اجرایی قرارداد ناشی از تراضی و اراده طرفین باشد، عدم توجه به اراده طرفین در ایجاد حق اقامه دعوا برای ثالث قابل توجیه نبوده و غیر قابل دفاع است. و اطلاق اصل نسبی بودن باعث بی‌عدالتی نسبت به ثالث می‌شود که به استناد تراضی و توافق طرفین برای کارهای خود برنامه ریزی کرده، ایفای قرارداد را انتظار می‌کشد.



## موضوع تعهد

تعیین موضوع تعهد برای هر دوی متعهد و متعهدله مهم می باشد. در حقوق ایران این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است چراکه اگر موضوع تعهد مبهم باشد، اصولاً تعهد یا شکل معتبر قانونی نگرفته و یا برای هر یک از طرفین امکان فسخ وجود خواهد داشت. بهرحال در حقوق انگلیس، این موضوع بمانند حقوق ایران از شرایط اساسی انعقاد عقد و ایفای تعهد بشمار می رود. با این وجود حقوق انگلیس تعهد به نفع شخص ثالث را در بحث موضوع تعهد نیز مهم می داند. در این نظام حقوقی، تعیین موضوع تعهد واجد اهمیت بسیاری است؛ زیرا درباره ایفای تعهد توسط ثالث در حقوق انگلستان اختلاف بر این است که آیا ثالث صرفاً در تعهدات با موضوع پول و وجه نقد می تواند مداخله نماید یا واژه payment شامل ایفای تعهدات به طور کلی می شود؟ موضوع تعهد با عبارت *prostration* شناخته می شود و در حقوق انگلیس این عنوان به نفس تعهدات اطلاق می گردد.

در حقوق انگلستان در ارتباط با ایفای تعهد توسط ثالث این پرسش مطرح می شود که آیا شرایط قائم مقامی موجود در قانون عرفی برای رجوع ثالث به مدیون باید رعایت شود؟ و آیا اجرای تعهد توسط وی باید مورد پذیرش متعهدله واقع گردد؟ (Duxbury, 107: 2008)

به طور کلی ثالث می تواند تعهد دیگری را اجرا نماید؛ مگر آن که تعهد قائم به شخص متعهد باشد. در این حالت ایفای تعهد توسط ثالث موضوعاً منتفی بوده و در صورت اجرا وی حق رجوع به مدیون را نخواهد داشت. نکته ظریفی که در حقوق انگلیس مورد توجه واقع شده آن است که اجرای نیابت از جانب ثالث احتیاجی به پذیرش از طرف متعهدله ندارد؛ هرچند این سخن بدین معنا نیست که متعهد در هنگام ایفای تعهد از جانب ثالث، واقعاً جانشینی وی را اجازه داده است. اهمیت اجرای تعهدات توسط شخصی غیر از مدیون در حقوق انگلیس در تخفیف مسئولیت مدیون در صورت قصور وی در ایفای تعهداتش آشکار می شود. در واقع پیشنهاد اجرا همانند اجرای تعهد شمرده می شود و مدیون می تواند در مقام دفاع به چنین ایجابی استناد کند. در صورتی که طلبکار در اثبات ادعای خود به گواهی گواهان استناد کرده باشد، مطالبه خسارت پس از ایفای تعهد از جانب ثالث قابل استماع نخواهد بود. اثر قبولی متعهدله بر ایفای تعهد توسط ثالث در بری الذمه شدن مدیون نمایان می شود. در مقابل، گروهی از حقوق دانان انگلستان ایفای تعهد را حتی در موردی که مدیون هیچ اجازه ای به ثالث نداده، موجب بری الذمه شدن متعهد می دانند. درباره امکان رجوع و جبران در صورت پرداخت بدهی دیگری، حقوق دانانی که قائل به لزوم اجازه مدیون برای ایفای تعهد توسط ثالث هستند، رجوع به صورت گسترده برای مدیون و به نحو مضیق برای متعهدله را در صورت فقدان اجازه متعهد مورد پذیرش قرار داده اند. هرچند هدف اصلی قواعد کامن لا حمایت از متعهد در برابر متعهدله است؛ اما ارتباط آن به طور کلی با مداخله فضولی کمتر شده و در مقابل، حقوق سنتی ایفای تعهد توسط ثالث و مداخله وی را پذیرفته است. (Anson, 1998)

## الزام به اجرای تعهد

اصل لزوم قراردادهای یا اصل لزوم وفای به عهد که در فقه اسلامی تحت قاعده اصله اللزوم مورد بحث قرار می گیرد و در بیشتر سیستمهای حقوقی دنیا از جمله سیستم حقوقی انگلیس نیز به رسمیت شناخته شده است، می طلبد که طرفین قرارداد به قرارداد خود و تعهدات مندرج در آن پایبند باشند و چنانچه در مواقعی به این وظیفه خود عمل نکنند، خواه اصلاً ایفای تعهد نکند یا اگر به تعهد خویش عمل می کند به نحو ناقص مثلاً ایفای تعهد توأم با تأخیر می کند، ضمانت اجرایی در نظر بگیرد. (Hunt, 2000)

## انتقال تعهد در نظام حقوقی انگلیس

در نظام حقوقی انگلیس و ایالات متحده، انتقال تعهد به مفهومی که در حقوق ایران استنباط می‌شود وجود ندارد. از سوی دیگر براساس یک اصل کلی، تنها حقوق ناشی از قرارداد قابل انتقال<sup>۷</sup> بوده و تعهدات قراردادی این قابلیت را دارا نیستند. معهدا، ضرورت های اجتماعی و اقتصادی موجب گشته است که حقوقدانان انگلیس شیوه‌های دیگری را برای رسیدن به این منظور به کار گیرند. در این راستا، در رابطه با انتقال تعهدات قراردادی از واژه transfer استفاده می‌شود تا بتوان آن را از انتقال حقوق قراردادی (در مفهوم بالا) تمییز داد. استفاده از نهاد نمایندگی و نیابت<sup>۸</sup>، مقاطعه کاری<sup>۹</sup> (که خود نوعی نیابت است) و تبدیل تعهد<sup>۱۰</sup> از جمله روشهای فوق الذکر است که به تناسب اهداف طرفین می‌تواند آثار متفاوتی داشته باشد.

اجرای نیابتی قرارداد به عنوان یکی از معمول ترین روش‌های انتقال، اجرای تعهد از سوی منتقل الیه را امکان پذیر می‌سازد. با وجود این موجب انتفای مسئولیت انتقال دهنده در برابر طرف دیگر قرارداد نمی‌شود مگر اینکه صراحتاً این امر مورد قبول متعهدله قرار گیرد. بنابراین کوتاهی منتقل الیه در اجرای تعهد، نقض تعهد از سوی انتقال دهنده محسوب می‌گردد. تبدیل تعهد با اینکه از حقوق رم اقتباس گردیده اما به خوبی توانسته است کارکرد منحصر به فردی را در نظام حقوقی انگلیس و آمریکا بیابد. در تبدیل تعهد بر خلاف نیابت، رضایت طرف دیگر قرارداد (متعهدله) لازم است. با این رضایت، قرارداد قبلی منسوخ گردیده و جای خود را به قرارداد نو با متعهد جدید می‌دهد. بدین ترتیب انتقال دهنده از مسئولیت اجرای تعهدات بری می‌شود و دعوای نقض تعهد قراردادی علیه وی مسموع نیست. از طرف دیگر متعهدله می‌تواند علیه منتقل الیه دعوای جبران خسارت قراردادی را مطرح نماید. به تعبیر دیگر، منتقل الیه در موقعیت انتقال دهنده پیش از تبدیل تعهد قرار می‌گیرد. (Duxbury, 2008: 189)

### تفاوت ایفای تعهد در نظام حقوقی ایران و انگلیس

در نظام حقوقی انگلیس، وقتی طرفین تعهدات خود را انجام دهند، قرارداد خاتمه پیدا می‌کند. اصل کلی آن است که اجرا و ایفاء باید کامل و دقیق باشد. باید توجه داشت که برخلاف حقوق انگلیس، در ایران قانونی وجود ندارد که ایفای تعهد را پیش بینی نماید و مواد ۲۲۷ الی ۲۲۹ قانون مدنی صرفاً برای نشان دادن عدم امکان اجرای قرارداد است. در ماده ۳۴۸ به این امکان عدم اجرا اشاره شده است. قراردادهایی که امکان ایفای تعهد در آنها صریحاً در زمان انعقاد عقد محرز نباشند، طرفین نیز از آن آگاهی داشته باشند، باطل بوده زیرا امکان تسلیم وجود ندارد.

اصل کلی در حقوق ایران و انگلیس آن است که دادگاه ممکن است اجرای تعهدات نامشروع را نخواهد. با این حال، حقوق ایران و انگلیس دو نظام حقوقی متمایز از هم بوده و در این خصوص احکام متفاوتی صادر شده است. این دو نظام حقوقی تفاوت هایی نیز دارند اما در مورد ایفای تعهد دارای مقررات مشابهی هستند که حتی در هنگام مغایرت با نظم عمومی، اجرا می‌شوند. در مورد ادعای خسارت ناشی از عدم امکان ایفای تعهد در چنین قراردادهایی تفاوت های جزئی بین ایران و انگلیس دیده می‌شود. اصل نظم عمومی در حقوق انگلیس در کنار سایر عوامل نظم عمومی قرار دارند که منجر به بی اعتباری قرارداد می‌شوند. اما در ایران قراردادهای مغایر با نظم عمومی ضرورتاً نامشروع نیستند. این به ذات و ماهیت این دو نظام حقوقی بر می‌گردد. در هر دو نظام حقوقی الزام قانونی به اجرای قراردادهای مغایر با نظم عمومی باطل اعلام می‌شود. (Blum: 2001)

در حقوق انگلیس مدت زمان متعارف ایفای تعهدات مدنظر مقام قضایی است. در این مدت زمان، متعهدله یا راهن این حق را دارد برای برخوردار شدن از حقوق طرف زیان دیده، از ایفای تعهد خودداری ورزیده و به منظور اطلاع طرف مقابل، «مدت زمان متعارف یکی از عناصر مهم قراردادی است» هر یک از طرفین می‌تواند در این مدت زمان خود را از مسئولیت اجرای تعهد برهاند و از طرف دیگر ادعای جبران ضرر و زیان بنماید. در حقوق ایران نیز مدت زمان ایفای تعهد یا عدول از تعهد وجود دارد و متعهدله می

7 - Assignment

8 - Delegation

9 - Subcontracting

10 - Novation

تواند پس از رعایت مدت زمان عرفی و در صورت عدم اجرای تعهد از سوی شخص متقابل، الزام وی به رعایت و اجرای تعهد را خواستار شود و یا قرارداد را فسخ نماید. وکلای دادگستری براین اعتقادند که بهترین راه حل برای نقض قرارداد، ملزم ساختن طرفین به اجرای خاص تعهدات می باشد. برخی از حقوقدانان نیز حق فسخ را برای متعهدله پیش بینی می کنند. قانون مدنی ایران روش گروه اول را پذیرفته و اجرای تعهد و الزام اطراف قرارداد به ایفای تعهدات را می خواهد. (Hogan, 1990)

هم نظام حقوقی ایران و هم انگلیس در التزام حقوقی برای ناتوانی ایفای تعهدات قراردادی و تاخیر در ایفاء مشابه هم عمل می کنند. زیرا الزامات حقوقی در هر دو نظام از ریشه های واحدی در قوانین و قراردادهای برخوردار هستند. شرط کیفری و پرداخت خسارت در هر دو نظام پذیرفته شده است. (Duxbury, 2008: 189)

### تعهدات پولی:

در حقوق انگلیس، خسارات قابل جبران متعهدله شامل خسارت تاخیر تادیه و خسارت عدم النفع و هزینه های اقامه دعواست؛ اما در حقوق ایران با توجه به قوانینی که به تصویب رسیده است به نظر می رسد تنها خساراتی که متعهدله می تواند مطالبه کند، خسارت تورم است و نوسانات کاهش ارزش پول در تعهدات لحاظ می شود؛ اما خسارت عدم النفع قابل مطالبه نیست. (Blum: 2001)

در حقوق ایران توجه به مواد مختلف قانون مدنی، اصطلاح «پرداخت» برای ایفای تعهد پولی به کار برده شده است. در صورت عدم ایفای تعهد، متعهد باید خسارت تورم را جبران کند؛ اما خسارت عدم النفع قابل مطالبه نیست. در حقوق انگلیس از اصطلاح *performance of payment of obligation* استفاده شده است و عدم ایفای تعهد شامل عدم ایفای تعهد و تاخیر در ایفای تعهد است. شیوه های ایفای تعهد پولی در حقوق ایران و انگلیس به صورت پرداخت نقدی، پرداخت بوسیله اسناد تجاری، پرداخت بوسیله حواله و پرداخت از طریق کارت اعتباری است. طرفین ایفای تعهدات پولی عبارتند از پرداخت کننده و طرف پرداخت یا وکیل یا قائم مقام وی هستند. در حقوق مدنی ایران، ایفای تعهد پولی از جانب ثالث، باید به اذن متعهد باشد و در صورتی که اذن نداشته باشد، ثالث حق رجوع به متعهد ندارد. وضعیت اخیر در حقوق تجارت ایران متفاوت است. در حقوق انگلیس پرداخت ثالث یا با رضایت بدهکار صورت می گیرد که ثالث در این وضعیت، وکیل تلقی می شود یا پرداخت ثالث بدون رضایت بدهکار که در اینجا، هیچ نیابتی با هر ماهیتی محقق نشده است؛ اما به هر حال قانونگذار، منفعت بردن بدهکار را به رسمیت شناخته است. در این وضعیت، تنها اقامه ای دعوایی که ثالث دارد، اقامه دعوی بازپرداخت است. (Hogan, 1990)

### اجرای تعهد قراردادی در انگلیس

نظام حقوقی انگلیس حکم به اجرای تعهدات قراردادی نمی کند مگر در مورد پرداخت تعهد پولی. اجرای عین تعهدات تنها در انصاف قابل دسترس است. مطابق قواعد انگلیس، اگر متعهد به تعهد خویش عمل نمی نمود تنها راه پیش روی زیان دیده، مطالبه خسارت بود اما به جهت اینکه در این ضمانت اجرا انصاف رعایت نمی گردید و بسیاری از مواقع برخلاف میل باطنی زیان دیده، رای بر تادیه خسارت صادر می شد، انصاف به عنوان ضمانت اجرای نقض قرارداد و تخلف از انجام تعهد، الزام به اجرای این تعهد را نیز علاوه بر جبران خسارت تجویز کرد تا در شرایط خاص بتوان متعهد مستنکف را به اجرای عین تعهد که همانا نزدیک ترین طریقه جبران خسارت می باشد ملزم کرد.

اجرای عین تعهد یک طریقه جبران خسارت انصافی است ولی در محاکم ایران، انصاف گرچه پذیرفته شده است اما راهکار نهایی خساران ناشی از عدم اجرای تعهد نیست و بلکه در نظام حقوقی ایران، تضمین اجرای تعهد، قانون مدنی است که متعهد را در قبال تعهدش ملزم می سازد و در صورت استنکاف از اجرای تعهد، دادگاه می تواند به موجب قرارداد و عرف ایفای تعهدات، متخلف را ملزم به اجرای تعهد نموده و این در صورتی است که اجرای تعهد از سوی هریک از طرفین قرارداد میسر باشد. به عبارت دیگر، مانعی خارج از کنترل و اراده طرفین قرارداد بوجود نیاید و اگر چنین باشد، فسخ قرارداد پیش بینی شده است. اما آنچه در ایفای تعهدات

دو نظام حقوقی ایران و انگلیس دیده می‌شود، اصل بر حسن نیت طرفین است که نظام حقوقی انگلیس نیز آن را بمانند قانونگذار ایران پذیرفته است اما اجرای عین تعهد صرفاً موضوع حقوق انگلیس است. (Lawson, 1980:153)

### ایفای تعهد بر مبنای اصل حسن نیت

در حقوق ایران مانند حقوق انگلیس، اصلی کلی بنام حسن نیت که طرفین را به رعایت رفتار منصفانه و نیکو ملزم نماید، وجود ندارد. در این نظام حقوقی قواعدی به مانند اصل لزوم، اباحه، رضایی بودن قراردادها و ... خودنمایی می‌کنند که بر تمامی قراردادها به عنوان اصول کلی حکومت داشته و تخطی پذیر نیستند. با اندکی تعمق در می‌یابیم که در حقوق ایران اصول پذیرفته شده تکلیفی نیست بلکه جنبه وضعی دارد و به عنوان مثال، هرگاه قراردادی را دو تن منعقد کنند، قرارداد ایجاد شده فی نفسه لازم و صحیح می‌باشد بدون اینکه تکلیفی برای متعاقدين مبنی بر لزوم نمودن و یا صحت آن پدید آید. اما حسن نیت از این گروه خارج است و قاعده ای است تکلیفی که طرفین قرارداد را به یک نوع رفتار ملزم و مکلف می‌کند. (سمیعی، ۱۳۳۸: ۵۷) در مرحله اجرا و ایفای قرارداد نیز همانند مرحله انعقاد، حسن نیت اصل حاکم نیست و نمی‌توان طرفین قرارداد را به رعایت حسن نیت در اجرای قرارداد و تعهد ملزم کرد چرا که کلیت چنین اصلی از مقررات ایران قابل برداشت نیست و اگر مواردی یافت شود که مبنای آن حسن نیت باشد در زمره موارد شمول قاعده قرار می‌گیرند. ماده ۲۲۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: « عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید، متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود، ملزم می‌باشند». این ماده ترجمه ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی فرانسه است که بیان می‌دارد: « عقود نه فقط متعاملین را نسبت به چیزی که در آنها تصریح شده ملزم می‌نماید بلکه آنها را به کلیه نتایجی که انصاف، عرف و عادت یا قانون به اقتضای تعهد قائل است نیز ملزم می‌کند». همچنین است ماده ۱۰۳۶ منسوخه قانون مدنی که از ماده ۹۲ قانون مدنی فرانسه اخذ شده بود و به جای عبارات «هزینه هایی که از روی حسن نیت صورت گرفته است» عبارت «مخارج متعارفه» را به کار برده بود. با ملاحظه موارد یاد شده این دیدگاه که اصل کلی حسن نیت به طور قطع در حقوق ایران وجود ندارد، تقویت می‌گردد و این مطلب به ذهن می‌رسد که قانونگذار ایران مخالف وجود و خودنمایی این اصل، حتی به صورت ضمنی است و تفاوت مهم ایفای تعهدات با حسن نیت در انگلیس و ایران مشخص می‌گردد. اما در مقابل این دیدگاه، بسیاری از حقوقدانان به لحاظ مقبولیت حسن نیت و ارزش اخلاقی آن از مواد مزبور، نتیجه می‌گیرند که در اجرای قرارداد حسب مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی طرفین باید حسن نیت را رعایت نمایند (عدل، ۱۳۷۳: ۱۳۰ و صفایی، ۱۳۸۲: ۱۶۰).

### عدم امکان اجرای تعهد در حقوق انگلیس

به موجب اصل ایفای تعهد و وفای به عهد، دادگاههای انگلستان موارد زیر را به عنوان مصادیق «عدم امکان اجرا» پذیرفته‌اند: الف) قانون لاحق: این مورد هنگامی مصداق می‌یابد که بعد از انعقاد یک قرارداد، قانونی تصویب شود و اجرای قرارداد را ناممکن سازد. ب) از بین رفتن چیزی که برای اجرای قرارداد ضروری است: ج) ناتوانی متعهد در قراردادهای مربوط به خدمات شخصی. د) عدم وقوع رخدادی که اساس و مبنای قرارداد است. اگر قراردادی مبتنی بر وقوع امری خاص باشد و آن امر اتفاق نیفتد، قرارداد مزبور، غیر قابل اجرا خواهد شد. (صادقی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱)

در نظام حقوقی انگلستان هنگامی که قراردادی در نتیجه وقوع حادثه‌ای غیر قابل اجرا می‌شود، خودبخود خاتمه می‌پذیرد؛ اما چنانچه قبلاً پول یا مالی رد و بدل شده باشد یا اینکه یک طرف، پیش از غیر قابل اجرا شدن قرارداد، عملی بر اساس قرارداد انجام داده باشد، غیر قابل اجرا شدن قرارداد، ایجاد مشکل می‌کند. (امینی، ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۴۳-۳۳)

در حقوق انگلیس صرفاً در موارد استثنایی، متعهد متخلف، ملزم به انجام عین تعهد می‌شود. دلیل آن این است که در نظام کامن لا که انگلستان نماینده چنین نظامی است، این ایده که انعقاد قرارداد، وظیفه لازم الاجرا کردن ایفاء آن را ایجاد می‌کند،

وجود ندارد. بلکه ایده اساسی و اولیه این است که نتیجه عدم اجرای تعهد الزام آور قراردادی، مکلف شدن متعهد به پرداخت خسارت خواهد بود. در این نظام حقوقی، چنین تصور می شود که پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد، معمولاً وسیله ای مناسب برای جبران خسارت است؛ چون متعهدله می تواند با دریافت این خسارت، مطلوب خود را از راه دیگری به دست آورد. مطلوب متعهدله از اجرای قرارداد هم رسیدن به موقعیت و منافع خاصی است که قرارداد را برای نیل به آن مقصود، منعقد نموده بود؛ لذا این مطلوب، از طریق پرداخت خسارت متناسب و مآلاً قرار دادن متعهدله در موقعیت مورد انتظار وی (یعنی موقعیتی که در صورت اجرای صحیح قرارداد، در آن قرار می گرفت) تامین می گردد. به همین جهت در حقوق انگلیس، صرفاً در صورتی حکم به اجرای عین تعهد صادر می شود که پرداخت خسارت برای جبران ضرر و زیان متعهدله کافی نباشد، یا به دلیل خاصی تعیین خسارت ممکن نباشد. حتی وجود شروط قراردادی برای ایفای عین تعهد، باعث اجبار دادگاه به صدور حکم به اجرای عین تعهد نمی گردد. (Hogan, 1990). یکی از دلایل اکراه دادگاهها برای صدور حکم به اجرای عین تعهد این است که سرپیچی متخلف قراردادی از اجرای دستور دادگاه را موجب خدشه در شان و جایگاه دادگاه می دانند. علاوه بر این، صدور حکم به ایفای عین تعهد، مشکلات اجرایی فراوانی به همراه دارد؛ خصوصاً در قراردادهایی که اجرای عین تعهد مستلزم اعمال نظارت مستمر از سوی دادگاه می باشد. زیرا در چنین مواردی دردسر زیادی برای دادگاه و مأمورین اجرای حکم ایجاد خواهد شد. از سوی دیگر، اجبار به ایفای عین تعهد، نوعاً موجب سلب آزادیهای شخصی متعهد می گردد و با آزادی و شرافت انسانی او تعارض دارد. عملاً نیز اجبار متعهدی که رغبتی به ایفای تعهد ندارد، نتیجه مطلوبی به بار نمی آورد. به همین جهت، پرداخت فوری خسارت به متعهدله، برای وی راحت تر و مقرون به صرفه تر است؛ و خود او نیز همین شیوه را به مدتها انتظار برای اجرای عین تعهد، ترجیح می دهد. لذا مادامی که انتظارات معمول متعهدله از طریق دیگری قابل جبران است، اعمال فشار بر متعهد امری ناپسند و غیر اخلاقی می نماید. زیرا از طریق پرداخت خسارت، هم ضرر متعهدله جبران می شود، و هم متعهد بر طبق میل خود عمل می کند. علاوه بر اینها، احراز انطباق خدمات ارائه شده با اوصاف مقرر در قرارداد برای دادگاه دشوار است. ایرادی که بر روش انتخابی حقوق انگلیس وارد شده این است که گفته می شود قاضی نباید خود را به جای متعهدله قرار داده و صلاح او را تشخیص دهد. به همین جهت در تحولات اخیر حقوق انگلیس تلاش شده تا اختیار انتخاب بین اخذ خسارت و اجرای عین تعهد، به متعهدله داده شود. (Lawson, 1980: 80-91)

نتیجه آنکه فرضیه اول تحقیق مبنی بر ایقاع یا اقاله بودن انجام تعهد و ضمانت اجرای عدم تعهد در حقوق ایران و انگلیس تفاوت‌های شکلی و ماهوی نشان می دهد اما در فرضیه دوم که هر دو نظام حقوقی از جبران خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد به شکل یکجانبه و فسخ بدون قید و شرط حمایت می کنند متعهد را مکلف به ایفای تعهد نموده و مرتکب نقض عمدی را مسئول خسارات وارده ناشی از وجود یک تعهد بین متعدين می داند. در اینجا تشریفات ایفای عهد مشابه هم وجود داشته و در خصوص تعهدات قراردادی میان نظام حقوقی ایران و انگلیس شباهت هایی به چشم می خورد. حقوق ایران عمدتاً از نظام حقوقی فرانسه تبعیت کرده ولی در مورد ایفای تعهدات و قراردادهای با نظام حقوقی انگلیس سازگاری دارد. این سازگاری به صورت تاثیر و اقتباس افقی است و در عرض هم حرکت می کنند گویی که علیرغم پذیرش نظام حقوقی عرفی کامن لا، بین ضمانت اجرای ایفای دین یا تعهد در ایران و انگلیس مطابقت وجود دارد.

### نتیجه گیری

اسباب ایفای تعهد و سقوط تعهد ناظر به عواملی است که مستقیماً باعث زوال تعهد، خواه قراردادی و خواه غیر قراردادی، پیش از اجراء و به کمال رسیدن آن می شوند. در میان مصادیقی که قانونگذار ما در ماده ۲۶۴ قانون مدنی جزء اسباب سقوط تعهد برشمرده است، تنها ابراء و تبدیل تعهد هستند که سبب سقوط تعهد- در معنای فوق‌الذکر محسوب می شوند و اقاله، وفای به عهد، مالکیت مافی‌الذمه و تهاتر را نمی توان جزء این مجموعه دانست چراکه اقاله در اصل سبب سقوط قرارداد شده و سقوط تعهد، نتیجه

ثانوی و غیر مستقیم آن است. سه عامل بعدی نیز در حقیقت، اسباب اجرای تعهد هستند و سقوط تعهد در نتیجه اجرا حاصل می‌شود.

انقضای مدت در تعهدات مدت دار و عدم امکان اجرای قرارداد از جمله اسباب واقعی سقوط تعهد است که می‌بایست در ماده ۲۶۴ ذکر می‌شدند و هرچند برخی از مصادیق آن به صورت پراکنده در مواد این قانون دیده می‌شود اما ذکر آن در ماده ۲۶۴ و تحت عنوان اسباب سقوط تعهد، می‌توانست مناسب‌تر بوده و با فنون قانونگذاری هماهنگ‌تر باشد.

در نظام حقوقی انگلیس، قرارداد به عنوان یک توافقی تعریف شده است که توسط قانون به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ایجاب و قبول و عوض سه عنصر مهم قرارداد محسوب می‌شوند. طرفین قرارداد می‌بایست قصد ورود بر معاملات را داشته باشند تا اینکه از آثار حقوقی آن بتوانند برخوردار شوند. علاوه بر اینها، طرفین باید توانایی انعقاد قرارداد و اهلیت کامل داشته باشند. در حقوق انگلیس مسئولیت قراردادی پایان همه چیز نیست و ممکن است منجر به پایان گردد. قرارداد با اشتباه و نفوذ ناروا یا نداشتن مشروعیت از اعتبار بیفتد. مثلاً چنانچه قرارداد توام با تدلیس، اکراه و فشار ناروا باشد، طرف مقابل حق فسخ قرارداد را پیدا می‌کند. در حقوق انگلیس تعهدات قراردادی مبتنی بر توافق هستند و می‌توانند با قرارداد نیز به آثار آن پایان دهند. بنابراین، ایفای تعهد یکی از مهمترین موضوعات حقوقی هم در نظام حقوقی ایران و هم در انگلیس می‌باشد. ماده ۲۶۴ قانون مدنی ایران نشانگر ایفای تعهد است. بنابراین اجرای تعهد زمانی خاتمه می‌یابد که متعهد به وفای به عهد خویش بر اساس مواد ۲۵۶ الی ۲۸۲ قانون مدنی عمل کرده باشد. از اینرو در بخش جداگانه ای بنام قراردادها و تعهدات مطابق با ماده ۱۸۳ توسط قانونگذار پیش بینی و مورد عمل بوده است. در مقایسه با حقوق انگلیس، شرایط ایفای تعهد در پاره ای از موارد مشابه بوده و هدف از این تحقیق نیز رفع ابهامات حقوق قراردادی و نیل به وحدت نظری در خصوص نزدیکی بیشتر به نظام حقوقی انگلیس برای رفع نیازهای تجارتي دو کشور می‌باشد. حقوق قراردادهای انگلیس منبعت از توسعه روابط تجاری همپای صنایع کشاورزی است وقواعد و مقررات حقوقی مطابق با توافقات طرفین در دادگاه انجام می‌گیرد. این مقررات تعیین می‌کنند که اعمال خاص متقابل مانند بیع در کتاب قراردادها گنجانده شوند. بدین شکل، این قواعد شرایط قرارداد را مشخص می‌کنند که بر طبق قرارداد ایفاء می‌شوند. در صورت نقض قرارداد، شیوه های جبران خسارت معین می‌شوند. در حقوق انگلیس، منابع و مقررات حقوقی قراردادهای براساس رویه قضایی بوجود می‌آیند. با این حال در مقایسه با ایفای تعهدات ایران، شباهت هایی در حقوق انگلیس وجود دارد:

۱- انتقال مالکیت زمین و اجاره: مدت سه سال و نیازمد اثبات رسمی با سندی امضاء شده و ممهور و بر طبق تشریفات.  
 ۲- بروات و اسناد تعهد آور، بیمه دریایی، بیع نامه و توافق های مرتبط با صدور اعتبارات برای مشتریان و ... نمونه هایی از قراردادهای کتبی هستند.

۳- ضمانت اجراها (مسئولیت در قبال سهل انگاری) و قراردادهای بیع یا سایر اشکال انتقال زمین نیازمند مدارک کتبی می‌باشند قبل از اینکه از طریق دادگاه به مورد اجرا گذاشته شوند.

از نظر سنتی، تعهدات به دو گروه تقسیم می‌شوند: تعهدات اختیاری که برای افراد خاص قابلیت اجرایی دارند و یا شبه تعهدات که بصورت اشتباه بر منافع افراد ضرر و زیان وارد می‌آورند.

اخیراً طبقه دیگری از تعهدات مورد قبول قرار گرفته‌اند که به تعهدات جبران خسارت مشهورند. مسئولیت‌های قراردادی بیانگر نقش سازنده قراردادی است.

۴- در انگلیس، نویسندگان مشهور چون، گئوف موناهان، مارتین هانت و غیره در بحث حقوق قراردادهای انگلیس ایفای تعهدات طرفین را مشمول توافق قراردادی می‌دانند. دیدگاه غالب این است که آثار عقد، ناشی از اراده طرفین است یعنی اراده، سازنده است و تعهدات قراردادی خودخواسته *Self imposed* هستند. به تعبیر لنگرودی اراده خلاقه است و قانون در این میان نقش ضمانت اجرایی دارد؛ یعنی آنچه را که طرفین ایجاد کرده‌اند، تنفیذ نموده و ضمانت اجرایی می‌بخشد. (شهیدی، ۱۳۸۲: ۱۱۳)

۴- اجرای تعهد قراردادی در حقوق انگلیس، تحت عنوان "Performance" مطرح شده و عبارت از انجام تعهد ناشی از وعده قرارداد یا سایر تعهدات، توسط متعهدی است که هر گاه از اجرای تعهد خودداری نماید، آثار نقض قرارداد متوجه او خواهد بود. این تعریف کم و بیش در فرهنگ اختصاصی حقوق آمریکا آورده شده است. در حقوق فرانسه نیز این قبیل دسته بندی‌ها دیده می‌شود. برای مثال، برخی حقوقدانان این کشور در کتاب «حقوق مدنی» خود، اسباب سقوط تعهد را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱- وفای به عهد ۲- سقوط تعهد با رضایت غیر مستقیم متعهدله (مانند تهاتر و تبدیل تعهد) ۳- سقوط تعهد بدون رضایت متعهدله (مثل مرور زمان مسقط)

## منابع

۱. احمدوند، ولی الله، ۱۳۸۳، آثار و احکام شرط تعیین خسارت ناشی از تاخیر و عدم اجرای تعهد در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس، مصباح، ش ۵۳، مهر و آبان
۲. امامی، سید حسن، ۱۳۴۰، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیه، تهران
۳. امینی، منصور؛ ابراهیمی، یحیی، ۱۳۹۰، حسن نیت در قراردادها: از نظریه تا عمل؛ نگاهی به موضوع در نظام حقوقی کامن‌لا، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، مقاله ۲، دوره ۲، شماره ۲، زمستان
۴. بیگدلی، سعید (۱۳۸۶)، تعدیل قرارداد، چاپ اول، تهران، نشر میزان
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۸، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، تهران
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۵۷، دوره حقوق مدنی، عقد کفالت، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، فاقد نوبت چاپ
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه (زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی). جلد دوم چاپ اول از دوره جدید. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران با همکاری انتشارات روزنه.
۸. سمیعی، یحیی، ۱۳۳۸، شرط عدم مسئولیت، مجله وزارت دادگستری، سال اول
۹. شهیدی مهدی، ۱۳۸۰، تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق ایران، انتشارات سمت
۱۰. شهیدی مهدی، ۱۳۸۲، حقوق مدنی، آثار قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، ج سوم، چاپ اول
۱۱. صالحی، عباسعلی، ۱۳۹۲، ضمانت اجرای تعهدات قائم به شخص در حقوق موضوعه و فقه امامیه، اولین همایش ملی قرارداد، اصول و چالشهای پیش رو
۱۲. صفایی، سید حسین (۱۳۸۴)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
۱۳. صفایی، سیدحسین، قاسم‌زاده، سیدمرتضی، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، ناشر: سمت، چاپ سیزدهم
۱۴. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۱۵. عدل، مصطفی، حقوق مدنی، به کشوش محمدرضا بندرچی، قزوین، انتشارات بحر العلوم، اول ۱۳۷۳ ش.
۱۶. علی احمدی، حسین: اجرای تعهد قراردادی (رساله دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۱۳۷۳.
۱۷. قاسم زاده، مرتضی، ۱۳۸۳، اصول قراردادها و تعهدات، نشر دادگستر
۱۸. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، تهران، مؤسسه نشر یلدا، چاپ اول
۱۹. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۲، حقوق مدنی، عقود معین، عقود اذنی، وثیقه های دین، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، جلد ۴، چاپ ۴
۲۰. مشکینی، حضرت ایت الله، ۱۳۶۶، ازدواج در اسلام، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، تهران

۲۱. میرمحمد صادقی، حسین، مروری بر حقوق قراردادها در انگلستان (ترجمه)، چ اول، نشر حقوق دان، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۸۱.

22. A. Blum, Brain. (2001). Contracts (Examples, Explanation). 2nd ed. Newyork: Aspenlaw, Business.
23. Anson, Law of Contract, 27<sup>th</sup> edition, by J. Beatson, Oxford University Press, Oxford, UK, 1998.
24. Duxbury, R. 2008, Contract law, 3rd edn, Sweet and Maxwell, London.
25. Hogan, Brain, Seago, Beter, Bennet, Geoffry. (1990). A level of law (eases, materials). 2nd ed. London: sweet & maxwell.
26. Hunt, Martin, 2000, A Level and as Level Law, Sweet& Maxwell Publishing, London.
27. Lawson, F.H. 1980, compensatory damages, Remedies of English law 2nd Edition.